

کشف دو گور دسته جمعی دیگر از زندانیان سیاسی قتل عام شده در حاشیه گورستان سیدامیر در حومه اهواز و بندرماهشهر

مستندات تازه از محل دفن قتل عام شدگان سال ۶۷
و اسامی افرادی که آنها را به قتل رسانده اند.

عباس بختیاری

فاجعه‌ی پنهان مرتبط با اعدام‌های سراسری زندانیان سیاسی سال ۶۷ در خوزستان، اکنون پس از سی سال به کوشش تعدادی از بازماندگان آن قتل عام فجیع افشا می‌شود.

گورهای دسته جمعی زندانیان سیاسی زندان کارون اهواز در کنار پادگان ۲۸ روح الله سپاه پاسداران - که امروز پادگان شهید درویش ناجا اهواز نامیده می‌شود - در حاشیه‌ی امامزاده‌ی متروکه و گورستان قدیمی مردم عرب زبان (گورستان سید امیر) در حومه‌ی شهر اهواز، و گورهای جمعی زندانیان سیاسی قتل عام شده‌ی زندان ناوا بندر ماهشهر در کنار گورستان ماهشهر کهنه (ماهشهر قدیم) قرار دارند.

تعدادی از زندانیان سیاسی زندان کارون اهواز در پادگان شهید درویش متعلق به سپاه پاسداران اهواز، در یکی از شب‌های تابستان ۶۷، توسط افراد مسلحی که از زندان اهواز با «تیزمغز» (دادستان سابق این شهر) به پادگان آورده شده بودند به جوخه‌ی تیرباران سپرده می‌شوند.

فاصله‌ی محل گور دسته جمعی زندانیان (سمت چپ در ورودی پادگان درویش) تا محل پلیس راه اهواز (باسکول) ۱۳۰۰ متر است. از پلیس راه تا سه راه جاده‌ی اهواز-ماهشهر ۶۰۰ متر و از سه راهی تا جلوی در پادگان و محل دفن زندانیان، ۷۰۰ متر است.

سی تن از زندانیان سیاسی قتل عام شده‌ی زندان کارون اهواز به طور دسته جمعی و نیز پراکنده در سمت چپ در ورودی پادگان درویش -متعلق به سپاه پاسداران- دفن شده اند. این زندانیان به فرمان «تیز مغز» که سال‌ها در سمت دادستان اهواز بوده، «اراکي» حاکم شرع این شهر، «نامدار» از شکنجه گران زندان اهواز، و «نقیب آلبوغبش» از سربازان آموزشی سپاه، قتل عام شده اند. اطلاعات جمع آوری شده نشان می‌دهد تیر خلاص زندانیان را «تیز مغز» و «نقیب آلبوغبش» به سر زندانیان شلیک کرده اند.



محل دفن قتل عام شدگان تابستان ۶۷ در کنار پادگان درویش (ناجا) که سال ۶۷ به سپاه پاسداران تعلق داشته است. محل سیمان شده که مادر یکی از قربانیان قتل عام ۶۷ بر مزار آنان نشسته است متعلق به پنج تن از قتل عام شدگان به نام های بهرام کارگرفر، شاپور توکلی، عظیم محمدزاده رضایی، سیاوش صالحی زاده و شاپور لایق است.



تعدادی از خانواده ها بر مزار جانباختگان قتل عام ۶۷. در پشت تصویر محل سیمان شده، دو نفر در کنار درخت گُزار دیده می شوند. آنجا محل دفن تعدادی دیگر از زندانیان قتل عام شده است که دو تن از اعضای یکی از خانواده ها بر مزار قربانیان نشسته اند.



محل دفن زندانیان قتل عام شدگان در حاشیه گورستان متروکه «سیدامیر»



سنگ قبر سیاوش صالحی زاده. سنگ قبر او بارها توسط عوامل حکومت ایران شکسته و تخریب شده است. این تازه ترین سنگ قبر او است.

عکسهای زیر محل گورهای دسته جمعی زندانیان سیاسی زندان کاورن اهواز در کنار
گورستان متروکه سیدامیر در حومه اهواز:







یکی از خانواده های جانباختگان در کنار درخت کنار محل گور دسته جمعی بسیاری از زندانیان سیاسی زندان کارون اهواز





محل دفن زندانیان قتل عام شده تابستان ۶۷ زندان اهواز در کنار پادگان درویش ناجا

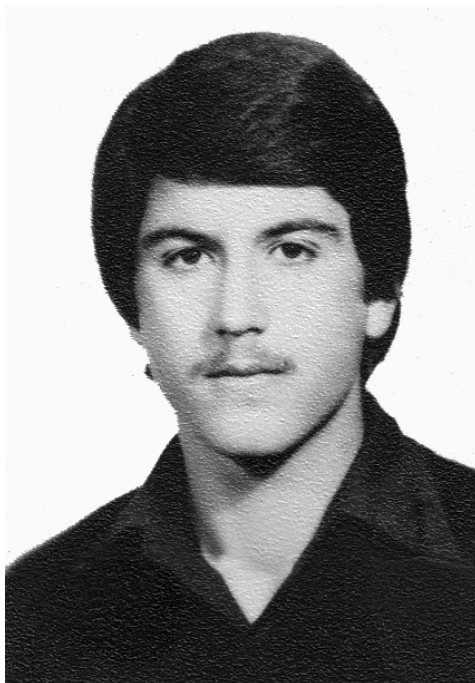
اطلاعات جمع آوری شده از چگونگی قتل عام زندانیان سیاسی:

یکی از سربازان سپاه در آن دوره، قتل عام زندانیان سیاسی را این گونه شرح می دهد: «من و چند سرباز سپاه آن شب آنجا بودیم. آن شب وقت کشیک ما در حیاط پادگان بود. زندانیان را با چند مینی بوس به پادگان آوردند. صحنه ی دلخراشی بود. آنها را که چشم بسته و چسبیده کنار هم بودند در حیاط پادگان به رگبار بستند. فرمانده ی ما از ما خواست تا برویم جلو و تیر خلاص به سرشان بزنیم. حالم بد شده بود و بدنم می لرزید. من و چند سرباز دیگر سپاه به او گفتیم که جسارت این کار را نداریم و خوشبختانه در این جنایت شریک نشدیم. بعد همان طور آنها را ریختند توی وانت ها و بردند بیرون پادگان. اما نقیب که فرد تندخویی بود قبول کرد، و وقتی اجساد را با همان وانت ها به بیرون بردند تا در کنار پادگان خاک کنند، همراه تیزمغز تیر خلاص را به سر زندانیان شلیک کردند. نقیب آلبوغبش که متولد و سال ها ساکن سربندر (بندر امام خمینی) بود شناسنامه اش را تغییر داد و با اسم دیگری اهواز را ترک کرد و معلوم نیست الان کجا زندگی می کند. بعدها با خبر شدیم چند نفر دیگر از زندانیان را هم تیرباران کرده اند و به گورستان جاده اهواز سوسنگرد برده اند و آنجا خاک کرده اند. البته نمی دانم آنها را در کجا تیرباران کرده اند.»

تیزمغز، جلاد معروف خوزستان، کسی است که پیش از این در سال ۶۳ در زندان ناوا بند ماهشهر تیر خلاص را به سر یکی از زندانیان سیاسی «مسعود رهبر» ۲۴ ساله که هوادار سازمان مجاهدین خلق بود و نیز یک زندانی عادی «علی کوهی» شلیک می کند و برای ایجاد رعب و وحشت با کفش های خونین به داخل سلول ها تردد می کند.

در میان قتل عام شدگان، از جنگ زدگان فعال سیاسی آبادان (محل دستگیری شیراز) گرفته، تا زندانیان سیاسی بندر ماهشهر و بندر شاهپور و شوشتر و دزفول و شیراز و مسجد سلیمان و اهواز، با تعلقات سیاسی متفاوت دیده می شود. هنوز تعدادی از خانواده هایی که فرزندان شان از شوشتر، دزفول، شیراز و مسجد سلیمان به زندان کارون اهواز منتقل شده بودند به دنبال

یافتن اطلاعاتی درباره ی سرنوشت عزیزان شان هستند و متأسفانه به رغم تلاش های بسیار تا کنون از سرنوشت فرزندان و همسران شان بی اطلاع هستند.
اسامی تعدادی از جان باختگان قتل عام زندانیان سیاسی سال ۶۷ زندان کارون اهواز به شرح زیر است:



«بهرام کارگرفر» ۲۳ ساله، متولد بندر شاهپور، گرایشات مارکسیستی (بدون تعلق سازمانی)



«سیاوش صالحی زاده» ۲۷ ساله، متولد بندر شاهپور، هوادار سازمان مجاهدین خلق

«عظیم محمدزاده» (رضایی) ۲۵ ساله، متولد بندر شاهپور، هوادار سازمان مجاهدین خلق

«شاپور توکلی» ۲۵ ساله، متولد بندر شاهپور، هوادار سازمان مجاهدین خلق

«شاپور لایق» ۲۴ ساله، متولد بندر شاهپور، هوادار سازمان مجاهدین خلق

شاپور لایق، شاپور توکلی، سیاوش صالحی زاده، عظیم محمدزاده و بهرام کارگرفر در یک گور، و سایر جانبازان در فاصله‌ی چند متری همدیگر و در کنار یک درخت «کُنار» به خواب ابدی رفته‌اند.

سربازان بخش آموزشی پادگان درویش از زمان این جنایت تا کنون از طریق برجک‌های ساخته شده روبروی محل گورهای زندانیان، به بهانه‌ی مراقبت از پادگان، تردهای خانواده‌ها را تحت کنترل دارند و در پاره‌ای از موارد از جمله گرفتن عکس توسط خانواده‌ها بر سر مزار عزیزان‌شان، از برجک‌ها پایین آمده و با پاک کردن عکس‌ها از دوربین‌ها و موبایل‌ها، آنها را تهدید نموده (ممنوعیت حضور بر مزار قربانیان) و از گورستان بیرون کرده‌اند. خانواده‌های قربانیان در اکثر موارد از سوی سربازان آموزشی سپاه مورد توهین و فحاشی قرار گرفته‌اند. البته سربازانی نیز بوده‌اند که با سکوت و ابراز اندوه با خانواده‌ها همدردی کرده‌اند.

نگهبان یک شرکت ساختمانی صحنه را چنین تصویر می‌کند: «تیر خلاص آنها را که نزدیک سی نفر بودند در بیابان همان جا شلیک کردند و بعد اجساد روی هم ریخته شدند و بر روی آنها خاک ریختند. سگ‌های آنجا، شب‌ها اطراف گورها جمع می‌شدند و تا صبح زوزه می‌کشیدند. دو هفته بعد، در یک روز گروهی آمده بودند و با وسایلی که آورده بودند گور را با میل گرد و سیمان پوشاندند. دو خانواده سه ماه بعد آمدند که دیگر سیمان‌ها خشک شده بود. مادر سیاوش صالحی زاده یکی از جان باختگان قتل عام، وقتی به محل می‌رسد شوکه می‌شود و باور نمی‌کند زندانیان اینجا خاک شده باشند و می‌گوید: بیابان چرا؟ مگر گورستان کم داریم؟ و بعد بارها دور گور می‌چرخد و برای همه‌ی قتل عام شدگان مرثیه می‌خواند.» مادر سیاوش می‌گوید: «نمی‌دانستیم فرزندان مان را اعدام کرده‌اند. مسئولین زندان مدام می‌گفتند ممنوع الملاقات هستند. با گفتن این کلمه همین‌طور سه ماه سرگردان بودیم. آنقدر پیگیری کردیم و فشار آوردیم تا خبر دادند بیاوید بروید فرزندان حکم آزادی گرفته و او را از زندان ناوا بندر ماهشهر تحویل بگیرید. سیاوش را به زندان اهواز منتقل کرده بودند و کمی عجیب بود. وقتی رسیدم زندان ناوا، تنها ساک و لباس‌های پسر سیاوش را به من دادند. اما چون هر روز در شهر فریاد می‌زدم و مردم بندر شاهپور (بندر امام خمینی) را از این جنایت خبردار می‌کردم، بارها به خانه‌ی ما حمله کردند و با توهین و الفاظ رکیک، من و خانواده را آزار و اذیت کردند. نمی‌توانستند صدای مرا خاموش کنند. روزی ماموران جلوی در خانه با ماشین مرا زیر گرفتند و پایم شکست و به بیمارستان منتقل شدم.»

«در محل دفن زندانیان در کنار پادگان، پیش از این دختری را که زندانی سیاسی بوده و اعدام شده، دفن کرده بودند. قبر او در فاصله‌ی چند متری محل دفن بهرام کارگرفر و پنج نفر دیگری بود که با هم خاک کرده بودند. گور او و سایرین که به صورت تک تک دفن شده بودند هنوز سیمان کاری نکرده و میل گرد نزده بودند. چهار تا از انگشتان دست راستش از خاک بیرون زده بود. ده تا پانزده سانتی متر از موهایش کنده شده بود. معلوم بود که گور آنها عمق ندارد. ما و یک خانواده‌ی دیگر در فاصله‌ی دو نوبت خاک روی آن ریختیم. خانواده اش پس از ماه‌ها تازه خبردار شدند و می‌گفتند نمی‌دانستیم اعدامش کرده‌اند. از شیراز منتقل

شده بود به این زندان و هوادار سازمان چریک های فدایی خلق اقلیت بود. اسم خیلی ها را نمی دانیم، البته کسانی هستند که می دانند. به غیر از این دختر، چند تن از هواداران سازمان چریک ها هم جزو قتل عامی هستند که در پارک شیراز سال ها قبل از آن در مخالفت با جنگ اعلامیه پخش کرده بودند و دستگیر شده بودند که بدبختانه تیرباران شان کردند.»

«نمی دانیم چرا هواداران فدایی خلق را با عجله و در عمق کمی از خاک دفن کردند. شاید هم اتفاقی بوده باشد. به خانواده ی آنها که از راه دور می آمدند و همین طور خانواده ی ما در ابتدا بیشتر از پنج دقیقه حق نشستن روی مزار عزیزان مان را نمی دادند. سربازان از برجک های مراقبت فریاد می زدند و به ما اخطار می کردند که فوراً محل را ترک کنیم. اجازه نمی دادند سنگ قبر بگذاریم. بدون اجازه برایشان سنگ قبر می گذاشتیم. چند بار آنها را شکستند و بعد خسته شدند. در ابتدا کسی حق گریه و شیون نداشت و می گفتند زود باید اینجا را ترک کنید. یعنی فقط بیست دقیقه حق داشتیم.»

«ما سه خانواده بودیم که بارها به شهرداری اهواز مراجعه کردیم و خواستیم تا شهرداری مسئولیت اداره گورستان سید امیر (محل دفن عزیزان مان) را در کنار پادگان سپاه به عهده بگیرد تا خانواده ها بتوانند برای اعدام شدگان سنگ قبر تهیه کنند. یکی از مسئولین شهرداری اهواز قول داد تا به سپاه پاسداران نامه ای کتبی بنویسند و درخواست کنند مسئولیت گورستان را مثل بقیه گورستان ها شهرداری به عهده گیرد. اما سپاه مکتوب به نامه ی ارسالی شهرداری، پاسخ منفی داد. مسئولان شهرداری اهواز هم اعلام کردند محل دفن آنها در لیست «آرامستان های غیر رسمی» شهرداری ثبت شده است.»

در همان تابستان تعدادی از زندانیان زندان ناوا را هم گروهی تیرباران کرده و شبانه در گورستان ماهشهر کهنه خاک کرده بودند. فرماندهی کشتار را «عبدالزهرای طرفی» بازجو و شکنجه گر زندان ماهشهر به عهده داشته است.

«محمود اکرامی» ۲۲ ساله، متولد بندر شاهپور، هوادار سازمان مجاهدین خلق، در جریان قتل عام ها از زندان کارون اهواز به ناوا ماهشهر انتقال داده می شود و جزو اولین قربانیان فتوای آیت الله خمینی در مرداد ماه سال ۶۷ است که در این زندان همراه تعدادی از زندانیان سیاسی تیرباران می شود. در پی تلاش خانواده ها، مسئولان زندان ناوا گورستان متروکه ای در کنار گورستان ماهشهر کهنه را محل دفن محمود اکرامی و سایر زندانیان سیاسی اعلام می کنند.

انتشار گزارش مربوط به قتل عام زندانیان سیاسی تابستان سال ۶۷ در ایران و حمایت از خانواده های بی پناه قربانیان این جنایت تاریخی یک وظیفه ی انسانی است. به عنوان یک هنرمند ایرانی از سازمان ها و نهادهای بین المللی درخواست می کنم در مورد این گزارش به تحقیقات پرداخته و نتیجه ی آن را به اطلاع عموم برسانند.

توضیحات کتبی و شفاهی بیشتر همراه با ارائه عکس و اسناد، در دیدار با گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، ارائه می گردد.

رونوشت:

خانواده های قربانیان قتل عام تابستان ۶۷

مادران خاوران

مادران پارک لاله ایران

آقای احمد منتظری، منتشر کننده ی نوار صوتی جلسه ی آیت الله حسینعلی منتظری با اعضای

هیئت برگزیده از سوی آیت الله خمینی موسوم به «کمیسون مرگ»

Mr. **António Guterres**, Secretary-General of the United Nations

Miss **Asemeh Jahangir**, Special Rapporteur for Human Rights in Iran

Mr, **Michel Forst**, United Nations Special repporteur on situation

Mr. **José Guevara**, Chair-Rapporteur of Working Group on Arbitrary Detention

Mr. **Filippo Grandi**, United Nations High Commissioner for Refugee

Mr. **Tony League**, Director of the United Nations Children's Fund (UNICEF)

Ms. **Federica Mogherini**, High Representative of the European Union for Foreign Affairs

Copy to:

- EU Commission on Human Rights
- The Redress Team
- Amnesty International
- Human Right Supervisor
- Front Line Defenders
- The Olaf Foundation
- Martin Ennals Foundation
- National Commission for Human Rights of France

پاریس – شنبه ۲۶ اوت ۲۰۱۷ – ۴ شهریور ماه ۱۳۹۶